

جلسه اول مادران پایه‌ای دبیرستان دوره اول

سخنرانی استاد گیلک

این دوره از زندگی به دوره گذره یعنی گذر از کودکی به جوانی که گام نخست بزرگسالی هستش. خود این اتفاق که تا بخواد گذر کنه این بنده خدا با چند تا چالش مواجه میشه و به چند تا درگیری داریم که حالا اون درگیری‌ها رو به علاوه صفاتش سریع می‌گیم که بریم به اون بخش آخرمون برسیم.

دوره نوجوانی به تعبیر بعضی‌ها کودکی که کودکی رو حمل می‌کنه، جوانی هم جوانی رو ولی می‌گن نوجوانی باید بار هر دو تا رو حمله بکنه یعنی هم بار کودکی رو دوشش چون هنوز خیلی بزرگ نشده هم این بار رو داره شروع می‌کنه بپذیره پس کارش یکم سخته برای همین به دوره نوجوانی می‌گن برزخ، بهش می‌گن دوره طوفان، بهش می‌گن دوره جهش، بهش می‌گن دوره گذر، بهش می‌گن دوره بحران، بهش می‌گن دوره سردرگمی همه‌ی این اسامی رو صاحب نظرها روش گذاشتن به دلایلی که خودشون دارن. می‌گن این دوره این وضعیت رو داره نوجوان به محض ورودش به این دنیا یعنی دنیای نوجوانی با چند تا چالش مواجه میشه، نوجوان به محض اینکه از مرز کودکی می‌خواد عبور کنه و وارد این دنیا بشه با این چالش‌ها مواجه میشه چالش با خودش، چالش با دیگرانی که اسمش گروه همسالان و غیره اونه و چالش با محیط خودش یا هر چیز دیگه که باهاش می‌تونه درگیر باشه پس اگر بهش گفتن دوره بحران، برزخ، طوفان و جهش با این آشفتگی مواجه میشه به حجم بزرگی از مسائل جلو روش قرار می‌گیره. خب همین چالش‌ها و همین برزخ برای ما هم هست ما هم با دنیای اون چالش داریم در فهمش، در درکش و در رفتار متقابل برای اینکه بتونیم در واقع بهش کمک بکنیم.

حالا ببینید چه اتفاقی برای این بچه رخ میده. پس نوجوانی یک دوره گذر از کودکی به جوانی، یک دوره طوفانی و جهش و بحرانی و سردرگمی هستش برای نوجوان و برای ما. چرا این حادثه میشه، چرا این اتفاق می‌افته؟ نگاه کنید این نوجوان ماست این بنده خدا به دفعه با این اتفاقات درگیر میشه از لحاظ شناختی و عقلی، از لحاظ زیستی و بدنی، از لحاظ هیجانی و عاطفی، از لحاظ شخصیتی باورها و ارزش‌ها، به لحاظ اخلاقی، به لحاظ تربیتی و تحصیلی به دفعه این نوجوان دگرگون میشه البته این طوری نیست که این خط کشی داشته باشه بگه امروز کودکی فردا نوجوانی. تمام دوره‌های رشدی متداخل هستن و داخل همدیگرنند، به دفعه به روز بلند میشیم می‌بینیم رفتار بچه دیگه مثل دیروز نیست به کم بزرگ شده رشد کرده و داره تغییر می‌کنه کلامش، رفتارش، تدبیرش و احساسش پس به قدری به بچه‌ها تو این سردرگمی و تو این گیجی حق بدین چون ببینید چه اتفاقی داره می‌افته تمام وجودش بهم می‌ریزه حالا ببینید هر کدام از اینها به داستان جدا داره، من سعی کردم از هر کدومش یکی دو تا بنویسم که مهمن و اونا رو بگم بعد بریم سراغ اینکه چه باید کرد که اونم به چند تا قاعده کلی رو بهت می‌گم.



برای عقلش ببینید چه اتفاقی می افتد آرام آرام اون کودک که وقتی می خواست بازی کنه، وقتی می خواست حرف بزنه، وقتی می خواست ریاضی حل کنه یا وقتی می خواست ارتباط بگیره استدلالش خیلی ساده و پیش پا افتاده بود ولی آرام آرام استدلال هاش منطقی تر میشه و بعضی از استعداداش ظهور و بروز پیدا می کنه پس خیلی چیزای دیگه داره اما دو تا از مهم ترینش اینه. پس به لحاظ عقلی نوجوان ما داره منطقتش کامل تر میشه یعنی می تونیم در دین، در سیاست، در اجتماعیات و در اخلاقیات باهاش حرف بزنیم یعنی تا قبلش یه شکلی بود که می خواستیم براش استدلال کنیم زیاد نه ما اونو درک می کردیم نه اون مارو اما الان چرا، داره به قوه استدلال و منطقتش اضافه میشه. یه سری استعدادها هم تو این سن بروز و ظهور پیدا می کنه باید مراقب باشیم. یه چیزایی از خودش نشون میده، یه موقعی می بینی دست ورزی می کنه و با بعضی چیزا خوب ور میره و خوب درگیره خب باید دقت کنیم، یه موقع می بینیم یه چیزی رو مرتب ترسیم می کنه تو طراحی و یه استعداد می بینیم. ظهور میکنن استعدادها و شماها اگه زود پیدا کنید استعداد بچه رو خیلی می تونید بهش کمک کنید.

به لحاظ زیستی و به لحاظ بدنی این بچه تغییرات قد و وزن، تعریق یعنی عرق زیاد می کنن یعنی والدین نگاه می کنن بچه ها توی این سن عرق می کنن گاهی هم عراق ها شون این قدر بد بو هست هم خود شون عاجزند هم مارو عاجز می کنن، هورمون جنسی شون فعال میشه، رویش موهای زائد بدنشون زیاد میشه، تغییر صدا پیدا می کنه صدا شون کلفت میشه، رشد عضلانی پیدا می کنن، قد میکشن و وزنشون تغییر می کنه. این در حوزه بدنی خب باید علاوه بر اینکه مشاهده می کنین تدبیر تون هم آرام آرام بیاد اینجا بشینه یعنی با این بچه ای که تا دیروز چیزی به اسم عرق کردن رو نداشت که الان داره باید یه اندیشه ای بکنیم که چطوری میشه باهاش رفتار کرد هم خودش سرخورده نشه هم شما اذیت نشید. به لحاظ هیجانی ببینید چه اتفاقی می افتد. سرگردونی که بهتون گفتم، حیرانه زیاد نمی تونه تصمیم روشن و مشخص و دقیقی بگیره میشه از این شاخه به اون شاخه، الان چه کنم، فردا چه کنم، چی بخونم، چی بخورم، چی بپوشم، کجا برم، با کی رفیق بشم و این حیرانی و سرگردانی طبیعی هستش یه بخشش نگران نباید بشید. عدم اطمینان به بزرگترها، آرام آرام تو این دوره یک مقدار از ما فاصله می گیرن نترسید طبیعیه، داره بزرگ میشه مرجع کنترلش و مرجع رفاقتش فرق می کنه آرام آرام میرن به سمت گروه همسالان، عدم کنترل رفتار داره خصوصاً چه موقعی رفتاراشون رو نمی تونن خوب کنترل کنن؟ بلد نیستن البته ما بزرگترها هم خیلی بلد نیستیم باز تو این سن بیشتره زود رنجی و آسیب پذیری، زود رنج میشن یه سهمی از اون کودکی رو به دنبال خود شون میارن، پر خاشاگر میشن همونطوری که زود به خشم میان و عصبانی می شن به راحتی زیر بار تون نمیرن، میل به گوشه گیری پیدا می کنن دوست دارن برن یه خلوتی نگاه می کنن نیستن یه پستویی یا یه جای خلوت می خوان.

همون طوری که ما عبادتگاه داریم بچه ها خلوتگاه می خوان یعنی مثلاً بچه ما خلوت می کنه من دیدم چند روز پیش یکی از والدین اومده بود گفت نمی دارم اصلاً خلوت بکنه تو خودش باشه گفتم که حالا راهش این نیست که اونا به یه مقدارش نیاز دارن، زیاد که بشه خطر افسردگی و گوشه گیری و اینا براش داشته باشه. رغبت هاش تغییر می کنه،



علايقش تغيير می کنه، به یه چیزایی علاقه مند میشه به موسیقی، به تلاوت قرآن، به ورزش، تمایلات رغبتی و علايقش تو سن بروز و ظهور پیدا کنه. خب ببینیم به لحاظ هیجانی چه اتفاقی براش می افته؟ نوجوان ما، بچه ما می خواد ببینه کیه، چیه، استعدادش چیه، توانش چیه، هر کسی رو بهر کاری ساختند که بعد اون عشق رو تو دلش می ندازه این شکلی نیست؛ اگر جغرافیا و سرزمین توانمندی های بچه تون رو زود بشناسید این یکی از کارهای جدی آموزش و پرورش هستش یعنی زود باید بفهمه بچه چه استعدادی داره و رهاش نکند میشه سال دوازده کنکور میشه اصلاً نمی دونن این بچه توانش، علاقه اش و رغبت و استعدادش تو چیه تو ریاضی، تو موسیقی، تو ورزش، تو مکانیک، تو اقتصاد نمی دونن حتی والدینم نمی دونن خود این یک تدبیر بزرگ می خواد. شما دقت کنین تو خانواده ها ببینید ساده هم هست فرمولش رو ببینید چقدر ساده است، از کودکی که بچه های ما شروع بکنن بازی کردن همین سینه خیز که روی فرش می رن همین سینه خیز رفتن و توجه به بعضی از نقوش یا دست زدن به بعضی از وسایل یا زوم کردن می بینید یک بچه ای مرتب و لش می کنی سراغ یه چیز خاص میره این قابل توجه هستش تکرارش یعنی یه اتفاقی داره می افته. پس اگر شما مثلاً تو خونه الان این فکر رو بکنید این نوجوان رو ببینید تکرار حالاتش و رفتارش بیشتر چیه، چیکار می کنه زیاد خط خطی می کنه، می نویسه کاغذ مچاله می کنه دور مینداز دوباره می نویسه شاید استعداد ادبی داره می تونه نویسنده خوبی بشه، اگر مرتب یه رادیو یا یه ضبطی یه چیزی رو باز میکنه دلش رو بیرون میکشه دوباره می بنده از این کار میشه فهمید که استعداد خاص مکانیکی و الکترونیکی شاید داشته باشه، خب شما می تونید هی مرتب علامت بزنی بعد می بینید چقد این تکرار میشه. یه بچه ای می بینن اصلاً رفیق باز نیست، یه بچه علاقه داره با دیگران باشه ارتباط ارتباط ارتباط، این زیاد که بشه این آدم از اون بچگی نشون داده یه آدم اجتماعی بعد یکم که بیاد جلو این آدم تو بعضی از مشاغل می تونه موفق باشه راحت شما می تونید صبر کنید پیدا کنید. به گيجی اون شما نیافزاید یعنی گيجی خودتونو به گيجی اون اضافه نکنین. شما این صحنه رو ببینین دیگه مثل گذشته نمی گین بچه همین طوری داره رشد کنه می دونید که یه اجزایی تو وجودش هی دارن رشد می کنن، اگر داد می زنه یه جایی از وجودش یه هورمونی داره ترشح می شه دست من و شما هم نیست بهتون می پره این نسل اون نسل نیست دیگه، ما نیستیم، ما به جای دست مادرمون پاشون رو ماچ می کردیم خب الان نیست اون داستان اما یه طور دیگه نشون میدن تو یه چیزای دیگه خیلی از ماها برتر هستن اونم خیلی زیاد.

به لحاظ اخلاقی ارزش هاش عوض میشه یعنی تا الان که فرد مطیع بود هر چی که بهش می گفتیم به لحاظ هنجاری راحت می پذیرفت الان دیگه به سادگی از تو نمی پذیره از بزرگتر راحت قبول نمی کنه، ارزش هاش دگرگون شده به لحاظ تحصیلی نمراتش تغییرات شاید جدی پیدا کنه شاید نکنه اما به لحاظ تربیتی کل شاکله اش بهم می ریزه آماده یه سری چیزا میشه برای مدرسه و خونه. این نکته رو به ذهن بسپارید که این نوجوان دچار یکسری تغییرات همه جانبه تو وجودش داره میشه که این تغییرات همه جانبه رفتارهای خاصی رو ازش نشون میده و شما باید یه قدری تحمل کنید یعنی در واکنش نشون دادن به نوجوان خیلی زود عمل نکنید یه کم درنگ کنین، با اون درنگ



کوچولو تون می تونین بهش کمک کنید. پس نوجوانی دوره گذره با اون بحران ها با این چالش ها و با این تغییرات که تو دل خودش کلی داستان داره و اما چند تا قاعده وجود داره که بهتون کمک بکنه. اول اینکه تربیت این چیزی که ما به دنبالش هستیم یا یک بسته و یه پکیج نیست که فکر کنید شما امروز اومدید مدرسه ما پکیج تربیتی می دیم که همه چیز درست پیش بره تربیت یعنی همین اتفاقی که الان تو زندگی تون به طور طبیعی با بچه هاتون داره می افته، تربیت یعنی همین به قول اون فیلم طلا و مس یه جایش می گه زندگی یعنی دقت در جزئیات، زندگی جز همین جزئیات تربیت هم همین جزئیات همین صبح بلند شدن ها، همین رفتن ها، همین اومدن ها، چرا باید منتظر اون آینده ای شد که داریم بهش وعده می دیم، یه کاری کنیم برای برای همین الان که تربیت داره صورت می گیره همین حالا که داری با بچه حرف می زنی و درگیری هر کلامی که از دهن در میاد یا هر نگاهت همون موقع داره تربیت اتفاق می افته و چیز جدایی نیست که فکر کنی بچه رو اگه صدا کردی عزیزم بیا اینجا بشین باهات کار دارم می خوام نصیحت کنم که تربیت نیست، تربیت همون روزمرگی که دارین همونه با یه سری چاشنی. اولین و جدی ترین کاری که باید بکنین ارتباط هستش، تا ارتباط نداشته باشین با نوجوان هیچ کاری نمی تونین بکنید (اول ارتباط) پس اگر موفق شدید این پل ارتباطی رو بزیند توفیق دارید و می تونید یه کاری بکنید اگه ارتباط نباشه که کاری نمی تونی بکنی، از بچه فاصله بگیری بعد بخوای تربیت هم بکنی همیشه پس قاعده یک یعنی ارتباط.

مراقب علائم هشدار دهنده در این سن هم باشیم مثل مشکلات خواب، مشکلات خوراک، مشکلات دوستان، تغییرات شدید شخصیتی، تغییرات ناگهانی در ارتباط با دوستان، تغییرات ناگهانی در افت تحصیلی و تربیتی، صحبت کردن در موارد خاص اگر یه نوجوانی مرتب توی گفتمانش و ادبیاتی که به کار می بره از بعضی از واژگان خاص زیاد استفاده کنه اینا آلارم محسوب میشه پس حواستون جمع باشه. یه کیسی داشتیم که مراقبت نکردن و این بچه دائماً تو خونه از خودکشی حرف میزد و مرتب می گفته و هر مثالی می زنه از خودکشی بوده والدین هم دقت نمی کردن فکر می کردن خودکشی از بچه خودشون خیلی دوره اما این اتفاق افتاد. این زیاد گفتن و اون تکرار که عرض کردم داره یه علامتی به شما میده همچنین تو این سن باید مراقب علائم هشدار دهنده باشیم. خوابش خیلی بهم بریزه، تغذیه اش خیلی بهم بریزه هشداره پس باید به هشدار حواستون باشه تو این سن گیر ندادن و جاسوسی نکردن هم مهمه اگر اعتماد نکنن و شما گیر زیاد بدی و جاسوسی زیاد بکنی و کنکاش و گیر زیاد بدین همه چیز به هم می ریزه. پس ما اگر تو این سن با نوجوانان خودمون راه بیایم و در کنار مراعات کردن آنها هم یاد بگیرند که چجوری از این مرحله عبور کنند در مراحل دیگر زندگی نیز به مراتب موفق تر هستند.

پایان مبحث سخنرانی استاد گیلکی

جلسه پایه‌ای دبیرستان دوره اول

۱۴۰۳/۷/۱۱